

«بگاہ خوردن» یا «پگاہ خوردن»؟

سید محمد عمادی حائری

استادیار بنیاد دایرةالمعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام)

| ۱۸۷-۱۹۶ |

دو پیشنهاد برای تصحیح و تفسیر یک واژه از بوستان

چندی پیش، یکی از فضیلابی مجازی در نقل حکایتی مشهور از بوستان، ضبط «بگاہ» را به صورت «به گاه» درآورده و معنای مرسوم «به وقت» را برای آن در نظر گرفته بود. چون توضیح آن نادرستی‌ها را یادآوری چند سطر فراتر رفت، به خاطر رسید که اگر نفعی در آن هست عام شود.

ژرف‌نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Bigah Khurdan» or «Pigah Khurdan»?

Two Suggestions for Editing and Interpreting a Word from Būstān

Seyyed Mohammad Emadi Haeri

Abstract: In an anecdote from the second chapter of Sa'dī's Būstān, there is a word that is recorded as «Bigah» in the most reliable corrections, and most commentators of Būstān have suggested the meaning of «in time» for it. In this article, the author explains the inaccuracy of that suggested meaning by referring to Shams Qais Rāzī's words and evidence from Old Persian verse and prose texts and proposes two new meanings for that word, one of which is based on the change of «Bigah» recording.

Keywords: Sa'dī, Būstān, Bigah, Pigah Khurdan, Text Emendation, Lexicography

چکیده: در حکایتی از باب دوم بوستان سعدی کلمه‌ای هست که در معتبرترین تصحیح‌ها به صورت «بگاہ» ضبط شده و بیشتر شارحان بوستان معنای «به وقت» را برای آن در نظر گرفته‌اند. در مقاله حاضر، نویسنده نادرستی آن معنای رایج را با استناد به سخن شمس قیس رازی و شواهدی از متون منظوم و منثور کهن فارسی توضیح می‌دهد و دو معنای تازه برای آن کلمه پیشنهاد می‌کند که یکی از آنها بر تغییر ضبط «بگاہ» مبتنی است.

کلیدواژه‌ها: سعدی، بوستان، بگاہ، پگاہ خوردن، تصحیح متون، لغت‌شناسی.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بگاه در بوستان: دو پیشنهاد برای تصحیح و تفسیر یک واژه

در باب دوم بوستان حکایتی هست در باب مهمان دوستی ابراهیم - علیه السلام - و نهایتاً توصیه سعدی به «گره» نزدن «بر سر بند احسان»^۱. ابیات آغازین آن حکایت این است:

شــــنیدم که یک هفته ابن السبیل نیامد به مهمان ســــرای خلیل
ز فرخنده خویی نخــــوردی بگاه مگر بینوایی درآیــــد ز راه ...^۲

باقی بیت‌ها معروف اهل فضل است و نیازی به تکرار آنها نیست. آنچه محل بحث ماست صورت «بگاه» است در بیت دوم بالا؛ که در متون ویراسته زنده یادان محمد علی فروغی و غلامحسین یوسفی از بوستان - که همچنان معتبرترین تصحیح‌ها از آن متن بی‌بدیل است - چنین ضبط شده است.

پیدا است در نسخه‌های اساس تصحیح فروغی و یوسفی - همانند دیگر نسخه‌های قدیم فارسی - حرف «گ» به صورت «ک» ضبط شده بوده است و از این رو ایشان - به قصد امروزی کردن رسم الخط - «بگاه» را به «بگاه» برگردانیده‌اند. انوری در امروزی کردن رسم الخط این کلمه گامی پیش‌تر نهاده و «بگاه» را به «به‌گاه» بدل کرده است.^۳ بر این اساس، طبعاً فروغی و یوسفی و انوری «بگاه» را ترکیبی از حرف قید ساز «به» و اسم «گاه» در نظر گرفته و معنای «به موقع» و «به وقت» را از آن استنباط کرده‌اند. با این قرائت، قاعدتاً بیت یاد شده چنین معنایی خواهد داشت: [ابراهیم] از فرخنده خویی [اش] به موقع [غذا] نمی‌خورد، به امید آنکه بینوایی از راه برسد [و با او هم سفره شود]. و یکنز نیز چنین معنایی را از آن کلمه در نظر آن داشته است، آنجا که «بگاه» را به *betimes* برگردانده است.^۴

در مقابل ضبط یاد شده و تفاسیر مذکور از آن بیت، به نظر می‌رسد که باید آن معنا را کنار گذاشت و دو معنای دیگر برای آن بیت پیشنهاد کرد؛ یکی با تغییر ضبط «بگاه / به‌گاه» و دیگری با حفظ آن.

۲. پیشنهاد نخست: بگاه خوردن در ساختار فعل مرکب

بنابر پیشنهاد نخست، «بگاه» را - برخلاف قرائت فروغی و یوسفی و دانشوران دیگری که متن را آن‌گونه خوانده‌اند^۵ - صرفاً باید صورتی رسم الخطی از «بگاه» دانست؛ بدین معنی که افزون بر

۱. سعدی، کلیات سعدی، به کوشش فروغی، ص ۲۵۶ (بیت ۱۵)؛ همو، بوستان، به کوشش یوسفی، ص ۸۱ (بیت ۱۱۷۹)؛ گره بر سر بند احسان / که این زرق و شید است و آن مکرو فن.

۲. سعدی، کلیات سعدی، به کوشش فروغی، ص ۲۵۵ (بیت ۱۹-۲۰)؛ همو، بوستان، به کوشش یوسفی، ص ۸۰ (بیت ۱۱۶۱-۱۱۶۲)؛ نیز: یوسفی، ص ۱۲۲ (بیت ۵۵-۵۶-۱۰۵۶).

۳. سعدی، کلیات سعدی، به کوشش انوری، ص ۱۸۹ (بیت ۳۸).

۴. نک: سعدی، گلستان و بوستان، ص ۸۸۱.

۵. از جمله ناصح و خطیب رهبر (نک: سعدی، بوستان، به کوشش خطیب رهبر، ص ۲۵۷، بیت ۱۱۷۰).

تبدیل «ک» به «گ»، می‌باید «ب» - در رسم الخط نسخه‌های قدیم فارسی - نیز به «پ» تبدیل گردد تا قرائتی درست از آن کلمه به دست داده شود.

یوسفی - در توضیح آن بیت بوستان - البته به ضبط «پگاہ» نیز اشاره کرده و نوشته است: «بگاہ (به گاه) یعنی به موقع خود، به وقت. پگاہ به معنی صبح زود نیز در این بیت مفید معنی است».^۶ مطابق این توضیح، یوسفی به احتمال قرائت «پگاہ» تظن داشته، هرچند صورت «پگاہ» را قرائتی مرجوح در نظر گرفته و - همچون فروغی - «بگاہ» را در متن جای داده است. در میان ویراستاران و شارحان بوستان، تا جایی که نگارنده جست‌وجو کرده، ظاهراً تنها خزائلی آن کلمه را «پگاہ» ضبط کرده^۷ و در توضیح نوشته است: «پگاہ: صبح زود و در اینجا مراد صبحانه است و فاعل فعل حضرت خلیل است».^۸ چنان‌که پس از این خواهیم دید، مؤلفان لغت‌نامه نیز - هرچند با احتمال و تردید - همین ضبط و معنا را برای بیت سعدی در نظر گرفته‌اند.

اگر «نخوردی پگاہ» را گروه فعلی تلقی کنیم یا زنجیره‌ای شامل متمم فعل و فعل بینگاریم، می‌توان اشاره یوسفی (که ضبط «پگاہ» را محتمل دانسته و آن را قید در نظر گرفته) یا تصریح خزائلی (که ضبط «پگاہ» را مسلم دانسته و آن را مفعول به شمار آورده) را توجیه کرد. اما اگر «نخوردی پگاہ» را - مطابق معیارهایی که بعضی از زبان‌شناسان و دست‌نویسان پیشنهاد کرده‌اند - فعل مرکب بدانیم و «پگاہ» را همراه و «نخوردی» را هم‌کرد در نظر بگیریم،^۹ باید بگوییم «پگاہ خوردن» مصدر مرکب است و معنایی نزدیک به «چاشت خوردن» دارد. بدین ترتیب، «زفرخنده خوبی نخوردی پگاہ»، یعنی: [ابراهیم] از فرخنده خوبی [اش] دست به طعام صبح‌گاهی / روزگاہی نمی‌برد، به امید آنکه «بینوایی درآید ز راه».

واژه «چاشت»، در معنای غذای صبح‌گاهی / روزگاہی، و تعبیر «چاشت خوردن»، به مفهوم به وقت چاشت غذا خوردن، در متون منظوم و منثور فارسی بسیار به کار رفته است؛ از جمله در این ابیات از ناصر خسرو که مؤلفان لغت‌نامه آنها را ذیل «چاشت» و «چاشت خوردن» شاهد آورده‌اند:

زیرا که هم تو را و هم او را همی بسی بی شام و چاشت باید خفتن به مقبره^{۱۰}
چون با پدرت چاشت خورد گیتی ناچار خورد با تو - ای پسر - شام^{۱۱}

۶. سعدی، بوستان، به کوشش یوسفی، ص ۲۷۴، توضیح ذیل بیت ۱۱۶۲. یوسفی این توضیح را در تعلیقات در آرزوی خوبی و زیبایی (ص ۴۳۱، ذیل بیت ۱) عیناً تکرار کرده است.

۷. خزائلی، ص ۱۶۲، بیت ۲.

۸. همان‌جا، پانوش ۳.

۹. درباره «فعل مرکب» در زبان فارسی و نظریات مختلف در باب آن، نک: طباطبایی، ص ۳۸۵-۴۰۰؛ طبیب‌زاده، ص ۸۵-۹۰.

۱۰. دهخدا، ج ۵، ص ۷۹۹۵، ذیل «چاشت».

۱۱. همان‌جا، ذیل «چاشت خوردن».

و نیز این بیت سعدی در بوستان:

یکی مشت زن بختِ روزی نداشت نه اسباب شامش مهیا نه چاشت^{۱۲}

مؤلفان لغت نامه - به درستی - یکی از معانی «چاشت» را «طعام نیمروز» ذکر کرده و «چاشت خوردن» را «طعام خوردن به هنگام چاشت، صبحانه یا نهار خوردن، هنگام چاشت غذا خوردن» معنا کرده اند.^{۱۳} مهم تر آنکه مؤلفان لغت نامه بیت محل بحث ما را نیز ذیل «بگاہ» - و نه «بگاہ» - آورده و این توضیح را در پانویست افزوده اند: «در این بیت سعدی بگاہ ظاهراً [به] معنی صبحانه و ناشتائی یعنی غذای اول روز آمده است».^{۱۴}

مدخل «بگاہ خوردن» البته در لغت نامه درج نشده است و پیداست که مؤلفان لغت نامه «بگاہ خوردن» را - برخلاف «چاشت خوردن» - مصدر مرکب در نظر نگرفته اند. سوای این، مؤلفان لغت نامه - به نقل از ناظم الأطباء و آندراج - معانی «بوقت» و «بروقت» را نیز در شمار معانی «بگاہ» ذکر کرده اند.^{۱۵} از این برابرگذاری می توان پی برد که مؤلفان لغت نامه همان معنایی را برای بسیاری از شواهد «بگاہ» فرض گرفته اند که فروغی و یوسفی برای آن بیت سعدی در نظر داشته اند؛ و چه بسا یوسفی بر اساس معانی پیشنهادی لغت نامه در ذیل «بگاہ» آن توضیح و معنی را در شرح بیت آورده باشد.

تأمل در شواهدی از نظم و نثر کهن که مؤلفان لغت نامه برای «بگاہ» ذکر کرده اند به خوبی نشان می دهد که تقریباً در همه آن شواهد قرائت درست «بگاہ» است نه «بگاہ» و بیشتر آن کاربردها را باید به معنای «صبح» گرفت.^{۱۶} مهم تر اینکه در هیچ کدام از آن شواهد نمی توان «بگاہ» را «به وقت» و «بروقت» معنا کرد. برای نمونه، به دو شاهد زیر - که در لغت نامه ذیل «بگاہ» آمده است - بنگرید:

(۱) بگویی ... تا امشب همه کارهای خویش ... ساخته کنند و بگاہ ... حاضر آیند. (تاریخ بیهقی)

(۲) بگاہ خاستن آمد نشان نهمت مرد که روز ابرهمی باز به رسد به شکار (ابوحنیفه اسکافی)

۱۲. همان جا، ذیل «چاشت».

۱۳. همان جا، ذیل «چاشت خوردن».

۱۴. همو، ج ۴، ص ۵۶۶۸، ذیل «بگاہ» و پانویست ۴ همان جا.

۱۵. همو، ج ۴، ص ۴۹۲۳، ذیل «بگاہ».

۱۶. از میان شواهد منقول در لغت نامه، تنها در بیت فلکی شروانی است که می توان «بگاہ» را به همین ضبط پذیرفت و معنای «زود» را برای آن در نظر گرفت: به خنده گفت که چون روزه رفت و عید آمد / بهانه کم کن و امروز جام باده بخواه // جواب دادم و گفتم که خسرو انجم / بگاہ برنشست و هنوز هست بگاہ (همو، ج ۴، ص ۴۹۲۳، ذیل «بگاہ»). البته مؤلفان لغت نامه آن بیت را ذیل معنای «صبح نخست و کاذب، صبح و بامداد و هنگام فجر» آورده اند و از دو کاربرد «بگاہ» در آن بیت ظاهراً تنها به کاربرد نخست نظر داشته اند؛ حال آنکه در آن بیت «بگاہ» نخست باید به «بگاہ» تغییر یابد و «بگاہ» دوم باید به معنای «زود» گرفته شود.

مؤلفان لغت نامه «بگاہ» در شاهد اول را ذیل معنای «به وقت» و «زود» و «بروقت» جای داده اند و «بگاہ خاستن» در شاهد دوم را به معنای «سخرخیزی» و «صبح زود برخاستن» گرفته اند.^{۱۷} صرف نظر از اینکه «زود» و «به وقت» مترادف هم نیستند، سیاق متن آن دو شاهد تردیدی باقی نمی گذارد که در هر دو، ضبط درست «پگاہ» است^{۱۸} نه «بگاہ» و به معنای «صبح» است نه «به وقت»؛ به ویژه اگر تقابل «شب» و «پگاہ» را در شاهد منقول از بیهقی از یاد نبریم و بیت ابوحنیفه اسکافی را با این بیت مشهور حافظ بسنجیم:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم^{۱۹}

۳. پیشنهاد دوم: بگاہ در معنای زود

در اینجا ممکن است این پرسش پیش بیاید که - با اوصاف بالا - فارسی گویان قدیم برای بیان تعبیر «به موقع» و «به وقت» چه واژه ای به کار می بردند و «بی موقع» و «بی وقت» را مقابل چه واژه ای می دانستند؟ همین پرسش ما را به پیشنهاد دوم در ضبط آن کلمه و تفسیر آن بیت بوستان رهنمون می شود.

بنابراین شمس قیس رازی در المعجم - که پس از این نقل خواهیم کرد - فارسی گویان قدیم برای بیان مفهوم «به موقع» کلماتی همچون «به وقت» و «به هنگام» را به کار می بردند و نه «بگاہ / به گاه». تعبیر «گاه و بی گاه» و «وقت و ناوقت» و «وقت و بی وقت» - که در متون منظوم و منثور قدیم شواهد متعدد دارد و واپسین آنها (وقت و بی وقت) امروزه نیز به ویژه در فارسی گفتاری رایج است - مؤید گفته شمس قیس است؛ همچنان که شاهی از فارسی قدیم نمی توان یافت که «به گاه» و «با وقت» و «به وقت» در برابر «بی گاه» و «ناوقت» و «بی وقت» به کار رفته باشد. برای نمونه، به شواهد زیر بنگرید:

(۱) هر جا که بوم _____ بزیم من گاه و بیگاہ در ش _____ کر تو دارم قلم و دفتر و محبر^{۲۰}

(۲) جان های شهیدان اند ... آنجا که خواهند می روند گاه و بیگاہ.^{۲۱}

(۳) بدان ای پسر که مردمان عامه را در شغل های خویش ترتیب و اوقات پدید نیست؛ به وقت (متن

۱۷. همو، ج ۴، ص ۴۹۲۳-۴۹۲۴، ذیل «بگاہ».

۱۸. چنان که فیاض نیز در تصحیح تاریخ بیهقی این واژه را «پگاہ» ضبط کرده است (نک: بیهقی، ص ۵۱).

۱۹. حافظ، ص ۳۹۰ (غزل ۳۱۰، بیت ۹).

۲۰. ناصر خسرو، ص ۵۱۵ (بیت ۱۳۱).

۲۱. هجویری، ص ۳۸۸.

چاپی: بوقت) ۲۲ و ناوقت بننگرند (متن چاپی: به ننگرند). ۲۳

۴) از مرّوت باشد ارشادم کنی وقت و بی وقت از کرم یادم کنی ۲۴

بدین ترتیب، «به گاه / بگاہ» در معنای «به موقع» و «به وقت» شاهدی معتبر در فارسی قدیم ندارد که بتوان ضبط «بگاہ» را در بیت بوستان به قیاس آنها توجیه کرد. چنان که مؤلفان لغت نامه از المعجم نقل کرده اند، ۲۵ شمس قیس رازی - که اتفاقاً در نیمه نخست قرن هفتم در فارس در گذشته و به تقریب می توان او را همشهری معاصر سعدی شمرد - نوشته است که «جمهور شعرا «بگاہ» (نسخه بدل: گاه: ۲۶) و «بیگاہ» به هم جایز ندارند. و اگر کسی روا دارد، جواز آن را وجهی توان نهاد؛ چی (= چه) «بیگاہ» و «بگاہ» به معنی «دیر» و «زود» مستعمل است نه به معنی «باوقت» و «ناوقت» ۲۷ (نسخه بدل: بی وقت)». شمس قیس در ادامه افزوده است:

به دلیل آنکه اگر کسی حاجتی به بزرگی رفع کند و در محلّ اجابت افتد، او را نگویند که این سخن «بگاہ گفتی»، بل که گویند: «بوقت گفتی» یا «بهنگام گفتی»؛ و اگر گویند: «بگاہ گفتی»، چنان فهم کند که «زود گفتی و دیرتر از این می بایست گفت»؛ و اگر در آن تعویقی افکند و به اسعاف مقرون ندارد، نگویند که «این سخن بیگاہ گفتی»، بل که گویند: «بی وقت گفتی» یا «بی هنگام گفتی»؛ و اگر گویند: «بیگاہ گفتی»، چنان فهم کند که «دیر گفتی و زودتر از این می بایست گفت». پس معلوم شد که «بگاہ» و «بیگاہ» به معنی «زود» و «دیر» است نه به معنی «باوقت» و «بی وقت»؛ و چون اختلاف معنی آمد، باید که اگر کسی هر دو به هم قافیت سازد خطا نباشد. ۲۸

نوشته شمس قیس جای تردیدی باقی نمی گذارد که تفسیر «بگاہ» در بیت بوستان به «به موقع، به وقت» درست نیست. اما از توضیح مطوّل و توجیه متکلفانه شمس قیس درباره قافیه کردن «بگاہ» و «بیگاہ» می توان دانست که بعضی از معاصران او - هر چند به خطا - معنای «بگاہ» و

۲۲. صورت رسم الخطی «بوقت» البته رهن خوانندگان آگاه نخواهد شد و آن را با قید «بوقت» اشتباه خواهند گرفت. پیداست که صورت مصدری فعل جمله «به [چیزی] بنگریستن» است.

۲۳. عنصر المعالی، ص ۶۴.

۲۴. مولوی بلخی، ج ۲، ص ۱۴۳۶ (دفتر ششم، بیت ۲۷۱۸).

۲۵. نک: دهخدا، ج ۴، ص ۴۹۲۳، ذیل «بگاہ».

۲۶. نسخه بدل «گاه» صرفاً از این حیث شایان توجه است که نشان می دهد کاتبی فاضل مآب که بنا بر ششم زبانی اش تعبیر «بگاہ و بیگاہ» را نادرست می دانسته، محلّ نزاع را در بحث شمس قیس به خوبی دریافته و از این رو «بگاہ» را - به غلط و از پیش خود - به «گاه» تغییر داده است. همین تصرّف نادرست نشان می دهد که فارسی زبانان تعبیر «بگاہ و بیگاہ» را نادرست می دانستند و آن را به جای «گاه و بیگاہ» به کار نمی بردند.

۲۷. پیداست که کلام شمس قیس در جای دادن «باوقت و ناوقت» در مقابل «بیگاہ و بگاہ» دارای لفّ و نشر مشوّش است؛ البته اگر «باوقت و ناوقت» تصحیف کاتبان از «ناوقت و باوقت» نباشد.

۲۸. شمس قیس رازی، ص ۲۴۷. نشانه گذاری و امروزی کردن رسم الخط متن از ماست.

«بیگه» را «باوقت» و «بیوقت» می‌انگاشته‌اند و از همین روششمس قیاس ناچار شده است که مقصود خود را با کمی تفصیل توضیح دهد. اگر آن حدس درست باشد، باید گفت که فهم نادرست از معنای واژه «بگه» منحصر به استنباط معاصران ما نیست و به قرن‌ها قبل بازمی‌گردد.

افزون بر اینها، سخن شمس قیاس نشان می‌دهد که خود او دست کم معنای غالب «بگه» و «بیگه» را «زود» و «دیر» می‌دانسته و مقابل «بیگه» را «بگه» در نظر می‌گرفته است نه «پگه».^{۲۹} فارغ از این بحث فنی در زبان‌شناسی شناختی^{۳۰} که «پگه» بر اساس استعاره‌ای زمانی به «صبح» - که آغاز یک روز است - اطلاق شده، همین امروز در بلخ تاجیکستان - آن‌گونه که از سفر بیست سال پیش (تابستان ۱۳۸۲ش) به خاطر دارم - «پگه» را به جای «صبح» و «بی‌گاه» را به جای «شب» به کار می‌برند.^{۳۱} اگر کاربرد معاصر بلخیان امروز را به خاطر داشته باشیم، آنگاه فهم معنای این بیت مولوی زاده بلخ بسیار آسان خواهد شد:

در غم ما روزها بیگه شـــــــد
روزها با ســـــــوزها همراه شد^{۳۲}

آیا ممکن است که سعدی - همانند شمس قیاس - «بگه» را به معنای «زود» گرفته باشد؟ بعید است؛ اما اگر چنین باشد، «زفرخنده‌خویی نخوردی بگه»، یعنی: [ابراهیم] از فرخنده‌خویی [اش] زود نمی‌خورد، به امید آنکه «بینوایی درآید ز راه».

۴. در میانه دو ضبط و دو معنا: به جای نتیجه و دفع دخل مقدر

اگر بپذیریم که «پگه» معنایی نزدیک به «چاشت» دارد، آن‌گاه فرض مصدر مرکب «پگه خوردن» غریب نخواهد بود و «چاشت خوردن» را به یاد می‌آورد. به نظر می‌رسد که با این پیشنهاد، آن مصرع بوستان هم در لفظ و هم در معنا صورتی صحیح‌تر و روشن‌تر خواهد یافت؛ همچنان‌که با فصاحتِ افصح‌المتکلمین سازگار است. پیشنهاد دوم را نمی‌توان یکسره منتفی دانست، به ویژه آنکه گفته شمس قیاس رازی در قرن هفتم و در موطن سعدی می‌تواند پشتوانه آن تلقی شود؛ هر چند از ساحت سعدی دور می‌نماید که فعل ساده «نخوردی» را با قید «زود» همراه کند.

شاید برخی بپندارند که ضبط «نخوردی پگه» پذیرفتنی نیست؛ با این استدلال که اگر ضبط

۲۹. دور نیست که فرض همگونی دیداری و شنیداری (یکسانی در کتابت و آوا) «بگه» و «بی‌گاه» در حرف / صامت «ب» - در مقابل اختلاف «پ» در «پگه» با «ب» در «بی‌گاه» - در تحقیق این تصحیف قدیم (تصحیف «پگه» به «بگه») مؤثر بوده باشد.

30. cognitive linguistics

۳۱. نیز نک: دهخدا، ج ۴، ص ۵۲۵۷، ذیل «بیگه»، که همین معنا برای «بیگه» یاد شده است؛ گویا این‌که معانی محلّ نقد ما، یعنی «بی‌وقت» و «بی‌موقع» و «بی‌هنگام»، نیز - به نقل از منابع و فرهنگ‌های متأخر از جمله یادداشت خود دهخدا - برای آن ذکر شده است.

۳۲. مولوی بلخی، ج ۱، ص ۴ (دفتر اول، بیت ۱۵).

«نخوردی بگاہ» را بپذیریم باید بگوییم که ابراهیم - علیه السلام - یک هفته تمام از تناول غذای صبح‌گاهی / روزگاهی پرهیز می‌کرد، و این با واقعیت‌های زندگی چندان سازگاری ندارد؛ اما اگر به ضبط «نخوردی بگاہ» گردن بگذاریم، پذیرفته‌ایم که ابراهیم - علیه السلام - تنها «زود» نمی‌خورد (بنابر پذیرش پیشنهاد دوم) یا «به وقت» نمی‌خورد (بنابر معنای پیشنهادی یوسفی و بیشتر مصححان و شارحان بوستان)، و بدین‌گونه فقط با تأخیر ابراهیم - علیه السلام - در صرف غذا مواجهیم و این با عالم واقع سازگارتر است. پاسخ آن اشکال مقدّر این است که زبان حکایت و شعر را نباید با زبان واقع‌نمای ریاضی وارقیاس گرفت. مفهوم «تأخیر در تناول غذای صبح‌گاهی / روزگاهی» - اگر هم در لفظ نمود نیافته باشد - باری در ضمن ضبط «نخوردی بگاہ» نهفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ بیهقی، به کوشش علی اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۳۵۰ش.
- حافظ، شمس الدین محمد شیرازی، [دیوان] حافظ، به کوشش سایه (امیر هوشنگ ابتهاج)، تهران، کارنامه، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش.
- خزائی، محمد، شرح بوستان، تهران، جاویدان، چاپ سوم، ۱۳۵۶ش.
- دهخدا، علی اکبر (و دیگران)، لغت نامه، به کوشش محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید، ۱۳۷۷ش.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، بوستان (سعدی نامه)، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، چاپ دوم (با تجدیدنظر)، ۱۳۶۳ش.
- همو، بوستان، شرح اشعار و حواشی از استاد محمد علی ناصح، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، صفی‌علیشاه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.
- همو، کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، قصائد، قطعات و رسائل)، به کوشش محمد علی فروغی، [ویراسته بهاء الدین خرمشاهی]، تهران، امیرکبیر، چاپ یازدهم، ۱۳۷۹ش.
- همو، کلیات سعدی، به کوشش حسن انوری، تهران، قطره، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- همو، گلستان و بوستان، [همراه با برگردان انگلیسی گلستان از ادوارد رها تسک و برگردان انگلیسی بوستان از] جی. ام. ویکنز، تهران، هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- شمس الدین محمد بن قیس رازی، کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش [سید محمد تقی] مدرس رضوی، تبریز، کتابفروشی تهران، [چاپ دوم]، ۱۳۳۸ش.
- طباطبایی، علاء الدین، فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
- طبیب زاده، امید، دستور زبان فارسی (بر اساس نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی)، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۴۰۰ش.
- عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس، قابوس نامه، به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.
- [مولوی] بلخی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، به کوشش محمد علی موحد، تهران، هرمس - فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
- ناصر خسرو قبادیانی، دیوان اشعار، به کوشش مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل شعبه تهران، [چاپ دوم]، ۱۳۵۷ش.
- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، به کوشش محمود عابدی، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- یوسفی، غلامحسین (انتخاب و توضیح)، در آرزوی خوبی و زیبایی: گزیده بوستان سعدی، تهران، سخن، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش.